

# نوجوانی و تحول معنا: مقایسه منابع و ابعاد معنای زندگی در دختران و پسران نوجوان<sup>۱</sup>

سمیه احمدی<sup>۲</sup>

محمود حیدری<sup>۳</sup>

فاطمه باقریان<sup>۴</sup>

عبدالرسول کشفی<sup>۵</sup>

تاریخ وصول: ۹۴/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱۰

## چکیده

با وجود تحقیقات متعددی که بر روی تجربه‌ی معنای زندگی صورت گرفته است، کماکان این ابهام وجود دارد که منابع معنابخش به زندگی یک نوجوان چیست و نوجوانان دختر و پسر چه تفاوتی از نظر این منابع و نیز ابعاد وجود و جستجوی معنای زندگی با یکدیگر دارند. مطالعه‌ی حاضر منابع و حوزه‌هایی که از نظر نوجوانان به زندگی آنها معنا داده، میزان وجود و جستجوی معنای زندگی و نیز تفاوت دختران و پسران در این مولفه‌ها را مورد بررسی قرار داده است. در این راستا ۴۱۶ نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله ( $M=۱۵/۹۴$ ،  $Std=۱/۳۲$ ؛ ۵۴/۳ درصد دختر) به دو ابزار برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی و پرسشنامه‌ی معنای زندگی پاسخ دادند. به منظور تحلیل داده‌ها از آزمون‌های کای اسکوتر و  $t$  مستقل استفاده گردید. نتایج حاصل حاکی از این است که از میان منابع معنا مطابق با برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی به ترتیب، "خانواده" (۹۱/۳٪)، "ارتباطات اجتماعی" (۵۳/۴٪) و "کار و تحصیل" (۵۳٪) حوزه‌های هستند که با بیشترین فراوانی از سوی نوجوانان به عنوان منبع معنا بخش به زندگی گزارش شده است. همچنین در نمونه‌ی مورد پژوهش ۷ طبقه‌ی جدید از منابع معنای زندگی مورد شناسایی قرار گرفت که از آن میان "فناوری اطلاعات" (۱۵٪) و "آینده" (۱۲/۳٪) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند. شرکت کنندگان دختر و پسر از نظر فراوانی تکرار برخی از منابع

۱. مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده‌ی مسئول) [ssahmadiiii@gmail.com](mailto:ssahmadiiii@gmail.com)

۳. دانشیار روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی. [mahmood.heidari@gmail.com](mailto:mahmood.heidari@gmail.com)

۴. استادیار روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی. [fatemeh6@gmail.com](mailto:fatemeh6@gmail.com)

۵. دانشیار فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران. [akashfi@ut.ac.ir](mailto:akashfi@ut.ac.ir)

معنا و رضایت از این منابع و نیز بعد وجود معنای زندگی با یکدیگر تفاوت معنادار داشتند. این یافته‌ها در چارچوب نظریات تحولی و معنای زندگی مورد بحث قرار گرفتند.

واژگان کلیدی: منابع معنای زندگی، ابعاد معنای زندگی، نوجوانی، تحول معنا

### مقدمه

مطالعات مختلف صورت گرفته در حوزه‌ی معنای زندگی، منابع و ابعاد آن غالباً از مرحله نوجوانی غافل بوده‌اند؛ در حالی که می‌توان ظهور معنا را به شکل واقعی آن در این مرحله از تحول و همراه با شکل‌گیری هویت در فرد ردیابی نمود (براسای، پیکو و استگر،<sup>۱</sup> ۲۰۱۲). در میان مطالعات چندی که به بررسی معنای زندگی و منابع و ابعاد آن می‌پردازند، جای مطالعه‌ای که در کنار نظریاتی همچون نظریه‌ی فرانکل<sup>۲</sup> (۱۹۸۴) که در خصوص معنای زندگی شکل گرفته و توسعه یافته‌اند، به نظر می‌رسد یکی از چارچوب‌های عمده‌ی بررسی تغییر معنای زندگی نظریات تحولی (به عنوان مثال نظریه‌ی اریکسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۵ و مارسیا<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰) باشد. این دسته از نظریات اگرچه اساساً با معنای زندگی در ارتباط نمی‌باشند، اما مروری بر آن‌ها نشان می‌دهد که در خصوص تغییر در اهداف و دیدگاه‌ها همگام با انتقالات و گذرهای زندگی بحث‌هایی داشته‌اند. از این چشم‌انداز آغاز تحول معنا را شاید بتوان در مرحله پنجم از تحول در نظام اریکسون (۱۹۶۸) یعنی در خلال تعارض "ابراز هویت در برابر پراکندگی نقش" ملاحظه کرد. ردکوپ<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) اذعان می‌دارد که این مقطع از شکل‌گیری هویت در تحول آتی معنای زندگی حیاتی و ضروری است؛ چرا که فرد پیش از اینکه بخواهد دیدگاهی از خود، هدف و معنای زندگی‌اش بیابد بایستی بداند که کیست و تعریفی از خود داشته باشد. به عبارتی می‌توان مهم‌ترین تکالیف تحولی در این سال‌های سازنده را شکل‌دهی به یک دیدگاه شخصی از جهان در کنار تحول یک هویت قلمداد کرد (اریکسون، ۱۹۶۸).

نوجوانی را می‌توان دورانی دانست که در طی آن افراد فرایندی از تعادل دوباره میان قدیم و جدید را تجربه می‌کنند (کِگان<sup>۶</sup>، ۱۹۸۲؛ به نقل از براسای و همکاران، ۲۰۱۲). بخشی

- 
1. Brassai, Piko & Steger
  2. Frankl
  3. Erikson
  4. Marcia
  5. Redekopp
  6. Kegan

از این روند را می‌توان انتقال از دیدگاه‌های ایدئولوژیک بر گرفته از کودکی به ادراکی از جهان دانست که با ارتقاء در توانایی‌های شناختی و آگاهی اجتماعی همراه است که شاخصی از بزرگسال بودن به شمار می‌رود (فیتزجرالد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). به این ترتیب آغاز ساخت سیستم معنای شخصی را به صورت واقعی می‌توان از این زمان و وقتی که فرد ملزم به اتخاذ تصمیمات مستقلانه است ملاحظه کرد. این استقلال به ویژه در جوامع امروزی در سنین نوجوانی است که محقق می‌شود. به عبارتی، به نظر می‌رسد که درک معنای زندگی فرد با تحول یک حس منسجم از هویت خود در ارتباط باشد (هین، پرولکس و وهس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶) و در نتیجه فرایند خلق معنا به صورت نظری از نوجوانی آغاز شده و در طول زندگی تداوم می‌یابد (جانستون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲).

در این خصوص شواهد قابل توجهی وجود دارد مبنی بر اینکه معنای زندگی در طول نوجوانی و آغاز بزرگسالی تبدیل به مساله‌ی مهمی می‌شود. به عنوان مثال آدامسون و لیکسل<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) گروهی از افراد را در اواخر نوجوانی (۱۸ تا ۲۰ سال) مورد مطالعه قرار داده و دریافته‌اند که رایج‌ترین سوالاتی که ذهن نوجوانان را به خود مشغول داشته بود سوالاتی در خصوص آینده، مرگ، مذهب و فلسفه‌ی زندگی، معنای زندگی به طور کلی و یا این دغدغه که من کیستم بود. اگرچه سوال از معنای زندگی دغدغه شماره‌ی یک این افراد به شما نمی‌رفت، اما تحلیل‌ها نشان دادند که داشتن حسی از معنا برای این گروه از افراد حائز اهمیت بسیاری بود؛ چرا که آن دسته از نوجوانانی که نیازی قطعی و عمده به این داشتند که چیزی را بیابند و به آن باور بیاورند در مقایسه با کسانی که باور به وجودی برتر داشتند، مفهوم خود منفی‌تری را نشان دادند. این محققان همچنین دریافته‌اند که حتی نوجوانانی که در برابر این دغدغه‌های هستی‌شناسانه احساس تنهایی نمی‌کردند، تمایل زیادی به صحبت در خصوص این نگرانی‌های خود با بزرگسالان داشتند.

همانطور که ذکر شد نوجوان در راستای دستیابی به هویت بایستی قادر باشد تصویری جامع از جهان پیرامون خود خلق کرده و هزاران اطلاعات گاه متناقضی را که از منابع مختلفی در محیط او ایجاد می‌گردند را یکپارچه سازد (مارسیا، ۱۹۶۶). نیاز به ارزیابی و بازشناسی

- 
1. Fitzgerald
  2. Heine, Proulx & Vohs
  3. Johnston
  4. Adamson & Lyxell

دوباره‌ی تجارب درونی و بیرونی فردی غالباً نوجوان را به جستجو برای یک خود حقیقی<sup>۱</sup> پیش رانده و می‌تواند بررسی منابع بالقوه‌ی معنای زندگی را موجب شود (دی‌وگلر و ابرسول<sup>۲</sup>، ۱۹۸۳). منظور از منابع معنای زندگی حوزه‌ها و عواملی است که به زندگی فرد معنا می‌دهند. این منابع به استناد پژوهش‌های مختلف متعدد بوده و عواملی چون لذت، رشد، روابط و غیره را در بر می‌گیرد. مطالعات متعدد صورت گرفته در رابطه با منابع معنای زندگی حاکی از این هستند که اگر چه عواملی چون ارتباطات با دیگر افراد از عمده‌ترین منابع معنا در همه‌ی گروه‌های سنی به شمار می‌رود (تیلور<sup>۳</sup> و ابرسول، ۱۹۹۳؛ پراگر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷)، اما می‌توان شاهد تغییراتی در منابع معنابخشی به زندگی با توجه به مرحله‌ی تحولی که فرد در آن قرار دارد بود (دیتمن-کوهلی و وسترهوف<sup>۵</sup>، ۱۹۹۹). به عبارتی می‌توان اینگونه بیان داشت که محتوای کیفی شناختی که در ساخت سیستم معنا و منابع معنابخشی به زندگی به کار می‌رود به صورت قابل توجهی در میان نوجوانان و سالمندان تفاوت داشته و این در حقیقت پاسخی است به شرایط بیرونی و درونی زندگی در دوره‌های مختلف تحولی و رده‌های متفاوت سنی.

مطالعات متعددی منابع معنای زندگی را در رده‌های سنی مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند (دی‌وگلر و ابرسول، ۱۹۸۳؛ بام و استیوارت<sup>۶</sup>، ۱۹۹۰؛ تیلور و ابرسول، ۱۹۹۳؛ دییتس، درست و هانسن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۵؛ رکر و وو<sup>۸</sup>، ۲۰۱۱؛ افلاک‌سیر، ۲۰۱۲). برخی از محققان در خصوص منابع معنا در گروه‌های سنی مختلف (جوان، میانسال، سالمند) به تفاوتی دست نیافتند (بام و استیوارت، ۱۹۹۰؛ رکر، ۱۹۹۴؛ زیکا و چمبرلین<sup>۹</sup>، ۱۹۹۲؛ به نقل از بارتور، ساوایا و پراگر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱). اما در مقابل در مطالعه‌ی دیتمن-کوهلی و وسترهوف (۱۹۹۹) ملاحظه شد که سیستم معنای شخصی به صورت قابل توجهی در میان جوانان و سالمندان تفاوت دارد. بررسی منابع معنای زندگی غالباً بر روی گروه‌های سنی بزرگسال صورت گرفته و

- 
1. Authentic self
  2. De Vogler & Ebersole
  3. Taylor
  4. Prager
  5. Dittmann-Kohl & Westerhof
  6. Baum & Stewart
  7. Debats, Drost & Hansen
  8. Reker & Woo
  9. Zika & Chamberlain
  10. Bar-Tur, Savaya & Prager

پژوهش‌های محدودی حوزه‌ها و منابع معنا بخش به زندگی را صرفاً در رده سنی نوجوان مورد بررسی قرار داده‌اند (دی‌وگلر و ابرسول، ۱۹۸۳). عمده‌ی این پژوهش‌ها نه سازه‌ی معنای زندگی بلکه هدف در زندگی را مورد مطالعه قرار داده و تلویحاتی در خصوص معنا داشته‌اند (برونک، فینچ و تالیب<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ برونک و فینچ، ۲۰۱۰). غالب این پژوهش‌ها به جز استثنائاتی (لین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ کودلا، کوجور، تیگا، تیرکی، رای و فگک<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵) در زمینه‌ی فرهنگ‌های غربی صورت گرفته و هیچ‌یک از پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی این منابع و حوزه‌ها در چاقوب فرهنگ ایرانی نپرداخته‌اند؛ این در حالی است که به استناد پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌ی معنای زندگی این سازه از عامل فرهنگ تاثیر پذیرفته (بارتور، ساویا و پراگر، ۲۰۰۱؛ استگر، کاواباتا، شیمای و اُتاک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸) و در فرهنگ‌های مختلف شاهد ساختار متفاوتی از معنای زندگی و مولفه‌های آن هستیم.

در بررسی معنای زندگی علاوه بر منابع معنابخش جنبه‌ی دیگری از معناداری که حائز اهمیت و آگاهی بخش می‌باشد، ابعاد معنای زندگی است. منظور از ابعاد معنای زندگی دو بعد عمده و اساسی معناداری است که از نظریات و تحقیقات موجود استخراج شده‌اند: وجود معنا و جستجوی معنا (استگر، فریزیر<sup>۵</sup>، اویشی و کالر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶). وجود معنا عبارت است از میزانی که فرد زندگی خود را مهم، معنادار و قابل فهم می‌داند (استگر، ۲۰۱۲) و جستجوی معنا اشاره دارد به تلاش و کاوش فعالانه‌ی انسان به منظور درک معنا، اهمیت و هدف زندگی خود (استگر و همکاران، ۲۰۰۸). ابعاد مذکور نیز به مانند منابع معنابخشی به زندگی تغییرات و پویایی‌هایی را در رده‌های سنی مختلف نشان می‌دهند؛ به عنوان مثال پژوهش‌ها نشان می‌دهند که نوجوانان در مقایسه با بزرگسالان و به ویژه سالمندان جستجوی معنای بالاتری را گزارش می‌کنند و با افزایش سن میزان جستجو برای معنا کاهش یافته و وجود معنای بالاتری گزارش می‌شود (استگر، اویشی و کسبیر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۱). برخی جستجوی معنای زندگی را به عنوان تسهیل کننده‌ی تحول هویت در نوجوان می‌دانند (براسای و همکاران، ۲۰۱۲). نظریات تحولی (اریکسون، ۱۹۶۸؛ مارسیا، ۱۹۸۰) جستجو و اکتشاف را در پاسخ به نیاز به

1. Bronk, Finch & Talib
2. Lin
3. Kudla, Kujur, Tigga, Tirkey, Rai & Fegg
4. Kawabata, Shimai & Otake
5. Frazier
6. Kaler
7. Kesebir

تعیین و ایجاد هویت، شغل و نقش‌های اجتماعی، از مشخصه‌های اصلی سال‌های نوجوانی و آغاز جوانی می‌دانند. تاکید این نظریات بر اهمیت جستجو و اکتشاف در این سال‌ها حاکی از این است که گروه‌های سنی جوان‌تر در مقایسه با سالمندان سطوح بالاتری از جستجوی معنا را گزارش می‌دهند.

مطالعه‌ی براسای و همکاران (۲۰۱۲) بر روی نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله نشان داد که جستجو برای معنا بیشترین سهم را در تعیین رفتار نوجوانان داشت. این مطالعه که نقش گرایش‌های هستی‌شناسانه‌ای چون وجود و جستجوی معنای زندگی را در رفتارهای مرتبط با سلامت نوجوانان مورد بررسی قرار می‌داد، حاکی از آن بود که جستجوی معنای زندگی نقش عمده‌ای در ارتباط با رفتارهای سالم و ناسالم نوجوانان بازی می‌کند. وجود و جستجوی معنای زندگی پیش‌بین معناداری از میزان کمتر رفتارهای خشونت‌آمیز، رفتار ضد اجتماعی و بی‌مسئولیتی تحصیلی/کاری در میان نوجوانان بود. ابعاد معنای زندگی همچنین احتمال پایین‌تر مشارکت نوجوانان در این دسته از رفتارها را در آینده نیز پیش‌بینی می‌کردند.

مطالعات صورت گرفته در حوزه‌ی منابع و ابعاد معنای زندگی و جنسیت نتایج متناقضی را در بر داشته‌اند. برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌ی منابع معنا به تفاوت‌هایی در منابع معنابخش به زندگی زنان و مردان دست یافته‌اند (پراگر و همکاران، ۲۰۰۰؛ بارتور و همکاران، ۲۰۰۱؛ شفر، کلینگمن و لوکاس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ فگک، کرامر، بوسوین و براسیو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷؛ شنل، ۲۰۰۹). در مقابل در برخی از مطالعات صورت گرفته در این حوزه، زنان و مردان از نظر منابع معنا تفاوت معناداری را نشان نداده‌اند (دیبیتس، ۱۹۹۹؛ بارتور و همکاران، ۲۰۰۱؛ توماس-سابادو، چاوز، رویو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). این تناقض در خصوص ابعاد وجود و جستجوی معنای زندگی نیز به چشم می‌خورد. به این ترتیب که برخی از مطالعات صورت گرفته در این حوزه به تفاوت معناداری میان زنان و مردان دست نیافته‌اند (استگر و همکاران، ۲۰۰۶؛ استگر، اویشی و کاشدان<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹؛ پارک، پارک و پیترسون<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰؛ استگر، پیکرینگ، آدامز<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). از سوی دیگر برخی پژوهش‌ها معنای زندگی بالاتری

- 
1. Schaefer, Klingman & Lucas
  2. Kramer, Bausewein & Borasio
  3. Tomás Sábado, Chávez, Royo
  4. Oishi & Kashdan
  5. Park, Park & Peterson
  6. Pickering, Adams

را برای یکی از دو گروه جنسیتی گزارش می‌کنند (مردان: کرامباف<sup>۱</sup>، ۱۹۶۸؛ اورباچ، ایلوز و روزنهم<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷؛ زنان: بهادری و علیلو، ۱۳۹۱، شنل، ۲۰۰۹). لازم به ذکر است که پژوهش‌های فوق بر روی گروه‌های سنی بزرگسال صورت گرفته و شاید قابل تعمیم به گروه سنی نوجوان نباشد. در نتیجه و علاوه بر این تناقضات در یافته‌های پژوهشی، عدم تمرکز بر مرحله‌ی نوجوانی در بررسی تفاوت‌های جنسیتی در مولفه‌های معناداری کماکان لزوم مطالعه‌ی این مولفه‌ها را با تمرکز صرف بر این رده‌ی سنی روشن می‌سازد.

به طور کلی و با در نظر گرفتن آنچه مطرح شد شناسایی تعیین‌گرهای معنای زندگی در این مرحله‌ی تحولی به عنوان نقطه‌ی پیدایش معنا از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مطالعه‌ی حاضر در جهت پر کردن خلاء موجود در مطالعات مرتبط با معنای زندگی در نوجوانی به دنبال شناسایی منابع و ابعاد معنای زندگی در این رده‌ی سنی است. در این راستا در این پژوهش محققان به دنبال پاسخ به این سوالات هستند که: منابع معنای زندگی در نوجوانان مشتمل بر چه حوزه‌هایی است؟ آیا میان منابع و حوزه‌های گزارش شده از سوی دختران و پسران نوجوان تفاوت وجود دارد؟ و در نهایت اینکه نوجوانان دختر و پسر از نظر ابعاد وجود و جستجوی معنای زندگی چه تفاوتی دارند؟

### روش پژوهش

شرکت‌کنندگان در پژوهش توصیفی حاضر متشکل از ۴۱۶ نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله ( $M = 15/94$ ؛  $Std = 1/32$ ؛  $M = 54/3$  درصد نوجوان دختر) بودند که در مقاطع پایه‌ی ششم ابتدایی (۲/۴ درصد)، دوره‌ی اول (۱۲/۳ درصد) و دوره‌ی دوم دبیرستان (۶۴/۷ درصد) مشغول به تحصیل بودند و یا دارای مدرک تحصیلی دیپلم بودند (۲۰/۷ درصد). نمونه‌ی مذکور در فاصله‌ی سال‌های ۹۴-۱۳۹۳ و به روش نمونه‌گیری در دسترس و هدفمند از مناطق مختلف شهر تهران (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) انتخاب شدند. از آن رو که هدف از مطالعه‌ی حاضر بررسی جامعه‌ی عادی نوجوانان بود، برخورداری از هوش طبیعی و عدم وجود اختلال بارز روان‌شناختی و نیز مشکل حاد جسمی و بیماری به‌عنوان ملاک ورود به پژوهش مد نظر قرار گرفت. در مجموع تعداد ۵۰۰ پرسشنامه به این روش نمونه‌گیری توزیع شد که با حذف پرسشنامه‌هایی که بازگشت داده نشده، یا مخدوش بودند و نیز حذف

1. Crumbaugh
2. Orbach, Illuz & Rosenheim

اطلاعات مربوط به نوجوانانی که به گزارش خود دارای بیماری جسمی بودند ( $n=46$ ) در نهایت ۴۱۶ پرسشنامه وارد تحلیل شد.

### ابزار گردآوری داده‌ها:

برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی<sup>۱</sup>: برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی ابزاری است که به منظور ارزیابی معنای زندگی و منابع آن توسط فگگ، کرامر، الهاست، بوراسیو<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) ایجاد و معرفی شده است. در این مقیاس از پاسخ‌دهندگان خواسته می‌شود که در ابتدا بین ۳ تا ۷ حوزه را که به زندگی آنها معنا می‌دهد (منابع معنابخشی) بدون درجه‌بندی آنها، ذکر نمایند. سپس آنها میزان رضایت خود از هر یک از این منابع و سپس اهمیت هر یک از آنها را مشخص و درجه‌بندی می‌نمایند. منابع معنای گزارش شده سپس به طبقات مجزایی تفکیک می‌گردند. سازندگان مقیاس ۱۵ طبقه‌ی مجزا از منابع معنابخش به زندگی را مطرح ساخته‌اند: خانواده، رابطه‌ی عاطفی، ارتباطات اجتماعی، کار و تحصیل، اوقات فراغت، خانه، امور مالی، معنویت، سلامت، رضایت، طبیعت، تعهد اجتماعی، لذت‌گرایی، هنر، رشد. فگگ و همکاران (۲۰۰۸) در مطالعه‌ی ملی و در راستای طراحی ابزار برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی به این طبقات ۱۵ گانه دست یافتند. ابزار فوق همچنین سه شاخص کمی در خصوص این منابع معنا به دست می‌دهد: شاخص رضایت<sup>۳</sup> (که نشانگر میزان رضایت کلی آزمودنی‌ها از منابع معنای زندگی خود بوده و ارزش آن بین ۱۰۰-۰ می‌باشد)؛ شاخص وزن<sup>۴</sup> (که نمایانگر اهمیت کلی منابع معنای زندگی بوده و ارزشی بین ۱۰۰-۰ دارد)؛ و شاخص وزنی رضایت<sup>۵</sup> (که با ارزشی از ۱۰۰-۰ ترکیبی از دو شاخص فوق بوده و به نوعی نمره‌ی کل حاصل از این ابزار را به دست می‌دهد). سازندگان مقیاس پایایی بازآزمایی شاخص وزنی رضایت را به فاصله‌ی یک هفته برابر با ۰/۷۲ گزارش می‌کنند، علاوه بر این، همسانی درونی درجه‌بندی رضایت و اهمیت برابر با ۰/۷۱ به دست آمد (فگگ و همکاران، ۲۰۰۸)؛ همچنین این ابزار روایی همگرایی خوبی با سایر آزمون‌های سنجش معنا به دست داده است. در مطالعه‌ی حاضر مقیاس مذکور ترجمه و ترجمه‌ی معکوس شده و سپس روایی صوری مقیاس با استفاده از نظر متخصصان مورد بررسی و تایید قرار گرفت. بررسی پایایی آزمون

1. The Schedule for Meaning in Life Evaluation (SMiLE)
2. Fegg, Kramer, L'hoste and Borasio
3. Index of satisfaction (IoS)
4. Index of weighting (IoW)
5. Index of Weighted Satisfaction (IoWS)



به روش بازآزمایی بر روی ۳۵ آزمودنی حاکی از همبستگی برابر با ۰/۶۲، ۰/۵۳ و ۰/۵۹ ( $p < ۰/۰۰۱$ ) برای شاخص‌های رضایت، وزن و شاخص وزنی رضایت در دو بار اجرا پس از ۱۵ روز بود. علاوه بر این در بررسی همسانی درونی رضایت و وزن منابع معنا در نمونه‌ی مورد مطالعه حاضر آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۰ و ۰/۷۵ به دست آمد.

• پرسشنامه‌ی معنای زندگی<sup>۱</sup>: در این مطالعه به منظور سنجش ابعاد وجود و جستجوی معنای زندگی از پرسشنامه‌ی معنای زندگی بهره گرفته شد. این پرسشنامه که توسط استگر و همکاران (۲۰۰۶) ساخته شده است، یک مقیاس ۱۰ گویه‌ای است که هر ۵ گویه آن یکی از دو مولفه "وجود معنا" و "جستجوی معنا" را مورد سنجش قرار می‌دهد. سوالات این ابزار بر روی مقیاس ۷ گویه‌ای لیکرت (از ۱: کاملاً غلط تا ۷: کاملاً صحیح) نمره‌گذاری می‌شود. بدین ترتیب نمرات هر دو زیر مقیاس بین ۵ تا ۳۵ متغیر بوده و نمره‌ی بالاتر نشان‌دهنده‌ی میزان بالاتر وجود و یا جستجوی معنای زندگی است. ساختار دو عاملی این ابزار در مطالعات مختلف مورد تأیید قرار گرفته است و شواهد حاکی از آن است که این ساختار در فرهنگ‌های مختلف مشابه می‌باشد (استگر، فریزر و زچانی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸؛ استگر و همکاران، ۲۰۰۸؛ بویرز، لایتسی و کن<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳). سازندگان آزمون روایی همگرا (با آزمون‌های رضایت از زندگی، عاطفه‌ی مثبت و عوامل شخصیتی برون‌گرایی و توافق‌پذیری<sup>۴</sup>) و واگرا (با آزمون‌های افسردگی، عاطفه‌ی منفی، نوزگرایی) را بررسی کرده و روایی خوبی برای آن گزارش داده‌اند (استگر و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین در بررسی اعتبار آن، ضریب همسانی درونی در مطالعات مختلف برای هر دو زیر مقیاس بالای ۰/۸ به دست آمده است (استگر و همکاران، ۲۰۰۶). پایایی بازآزمایی این مقیاس با فاصله زمانی ۱ ماه برای زیر مقیاس‌های وجود و جستجوی معنا برابر با ۰/۷۰ و ۰/۷۳ گزارش شده است (استگر و همکاران، ۲۰۰۶). در مطالعه‌ی حاضر بررسی پایایی به روش بازآزمایی با فاصله‌ی زمانی ۱۵ روز برای زیر مقیاس وجود معنا برابر با ۰/۷۹ و برای زیر مقیاس جستجوی معنا برابر با ۰/۷۱ به دست آمد ( $p < ۰/۰۰۱$ ). همچنین ضریب همسانی درونی دو زیرمقیاس وجود و جستجوی معنا به ترتیب برابر با ۰/۸۳ و ۰/۷۸ به دست آمد.

1. Meaning in Life Questionnaire (MLQ)
2. Zacchanini
3. Boyrz, Lightsey & Can
4. extraversion and agreeableness

**شیوهی اجرای پژوهش و تحلیل داده‌ها:** ابزارهای فوق‌الذکر در قالب یک بسته در اختیار آن دسته افرادی که موافقت خود را برای شرکت در پژوهش اعلام کردند قرار گرفت. آزمون‌گران توضیحاتی در خصوص نحوه‌ی تکمیل ابزارها به ویژه برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی در اختیار آزمودنی‌ها قرار داده و افراد در قالب خود گزارش‌دهی اقدام به تکمیل پرسشنامه‌ها کردند. ترتیب سوالات و ابزارهای پژوهش برای نیمی از آزمودنی‌ها متفاوت بود، تا از اثر ترتیب در پاسخ‌گویی به سوالات پیشگیری شود. زمان مورد نیاز برای پاسخ‌دهی در نمونه‌ی این مطالعه  $30 \pm 10$  دقیقه بود.

در گام نخست از تحلیل داده‌های پژوهش، منابع و حوزه‌های معنای زندگی مطرح شده به یکی از ۱۵ طبقه معنای زندگی مطابق با دستورالعمل "برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی" اختصاص داده شدند. در این میان برخی از منابع معنای زندگی گزارش شده قابل تخصیص به هیچ یک از طبقات ۱۵ گانه‌ی از پیش تعیین شده نبودند. این منابع جدید به لحاظ فراوانی و دفعات تکرار از سوی آزمودنی‌های مختلف قابل توجه بوده و به دلیل اهمیت تفاوت‌های بین فرهنگی احتمالی با مطالعات انجام شده در این حوزه به صورت جداگانه به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفتند. در خصوص این دسته از منابع معنا که در طبقات موجود نمی‌گنجیدند و در مجموع از سوی بیش از ۳ درصد از آزمودنی‌ها مطرح شده بودند، طبقاتی جدید ایجاد شدند. نتایج حاصل از تحلیل محتوا ۷ طبقه‌ی جدید از منابع معنای زندگی را به دست داد: فناوری اطلاعات (گوشی، تبلت، کامپیوتر، اینترنت)، آینده (اهداف و آرزوهای معطوف به آینده، آینده‌ی خوب)، حق انتخاب (آزادی و استقلال)، ظاهر شخصی (زیبایی جسمی و فیزیکی، خوش لباس بودن، خوش اندام بودن، به روز بودن لباس و پوشش)، اخلاقیات (مهربانی، عشق و محبت، خوش اخلاق بودن، صداقت)، نیاز به پذیرش اجتماعی (آبرو، احترام از سوی دیگران، احساس ارزشمند بودن در نگاه دیگران، توجه از سوی دیگران)، خود (الف: خود شخصی (خودم، توانایی‌هایم، استعدادهایم، هویتم، شخصیتم) و ب: خود اجتماعی (کشورم، ملیتم، شهرم).

به منظور بررسی اعتبار تخصیص منابع معنا به طبقات مشخص شده دو ارزیاب مستقل و متخصص در حوزه‌ی روان‌شناسی به صورت تصادفی ۳۰ پرسشنامه را بررسی و منابع گزارش شده‌ی آزمودنی‌ها را مطابق با دستورالعمل ابزار طبقه‌بندی نمودند. ضریب توافق میان ارزیابان برای اغلب طبقات بین ۰/۷۸ تا ۱ متغیر بود که بیانگر میزان توافق مناسب میان ارزیابان است. تنها در مورد دو طبقه‌ی "اوقات فراغت" و "تعهد اجتماعی" ضریب توافق به ترتیب

برابر با ۰/۶۳ و ۰/۶۵ به دست آمد که کماکان توافق قابل قبولی را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که برخی از منابع و حوزه‌های ذکر شده از سوی افراد که قابل اختصاص به هیچ یک از طبقات موجود و به دست آمده نبودند، مطابق با دستورالعمل پرسشنامه حذف شده و نمرات خام مربوط به رضایت و اهمیت آن‌ها در محاسبات بعدی مورد استفاده قرار نگرفت. همچنین در خصوص تمامی منابع معنا، منابعی که مبهم بوده و به راحتی قابل تخصیص به طبقات نبودند، به تفصیل میان ارزیابان مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت تا توافقی در خصوص تخصیص آن‌ها به طبقات موجود حاصل شود. در ادامه‌ی تحلیل داده‌ها و در راستای پاسخ‌گویی به سوالات پژوهش از آمار توصیفی (فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد نمرات مربوط به منابع معنا) و جهت مقایسه بین دو جنسیت از آزمون‌های کای اسکوئر و  $t$  مستقل بهره گرفته شد.

### یافته‌های پژوهش

جدول ۱ فراوانی دفعات ذکر شده هر یک از طبقات موجود و جدید منابع معنا را همراه با درصد و نمرات رضایت و اهمیت هر یک از آن‌ها نشان می‌دهد. در مجموع به صورت میانه<sup>۱</sup> ۵ منبع معنای زندگی از سوی آزمودنی‌ها گزارش شد (۴/۵٪ آزمودنی‌ها کمتر از ۳ حوزه‌ی معنا را گزارش کردند، ۱۵/۹٪ آزمودنی‌ها به ۳ حوزه‌ی معنا، ۲۱/۲٪ آن‌ها به ۴ حوزه، ۱۶/۳٪ به ۵ حوزه، ۱۵/۴٪ به ۶ حوزه و نهایتاً ۲۶/۷٪ به ۷ حوزه‌ی معنا بخش برای زندگی اشاره کردند). همانطور که ملاحظه می‌گردد در میان منابع معنای گزارش شده "خانواده" بالاترین فراوانی را در نمونه‌ی مورد مطالعه‌ی حاضر به خود اختصاص داده و "تعهد اجتماعی" کمترین میزان تکرار را داشته است. از میان طبقات منابع معنا مطابق با مطالعات پیشین (فنگ و همکاران، ۲۰۰۷) و دستورالعمل برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی، طبقه‌ی "طبیعت/حیوانات" از سوی هیچ یک از شرکت‌کنندگان نوجوان این پژوهش به عنوان یک حوزه‌ی معنا بخش به زندگی گزارش نشد.

جدول ۱. منابع معنای زندگی گزارش شده توسط آزمودنی‌ها به تفکیک طبقات

منابع معنای زندگی بر مبنای طبقه‌بندی موجود در دستورالعمل برنامه‌ی ارزیابی معنای زندگی	منابع معنای زندگی بر مبنای طبقات جدید حاصل از تحلیل محتوا در مطالعه‌ی حاضر	n	%	رضایت از منبع معنای زندگی Mean ± SD	اهمیت منبع معنای زندگی Mean ± SD
۱ خانواده		۳۸۰	۹۱/۳	۲/۰۷±۱/۳۲	۶/۳۳±۱/۱۴
۲ ارتباطات اجتماعی		۲۲۲	۵۳/۴	۱/۶۸±۱/۴۲	۵/۳۰±۱/۵۱
۳ کار / تحصیل		۲۲۰	۵۳	۱/۲۸±۱/۷۱	۵/۶۴±۱/۴۴
۴ معنویات		۱۳۶	۳۲/۷	۲/۰۶±۱/۴۱	۶/۳۰±۱/۳۰
۵ مادیات و امور مالی		۱۲۰	۲۸/۸	۰/۲۸±۲	۵/۱۶±۱/۷۳
۶ رابطه‌ی عاطفی		۷۸	۱۸/۸	۱/۴۳±۱/۸۷	۵/۹۷±۱/۵۲
۷ اوقات فراغت / آرمیدگی		۶۱	۱۴/۷	۱/۷۸±۱/۳۴	۵/۴۱±۱/۶۷
۸ رضایت		۴۲	۱۰/۱	۰/۷۸±۲/۰۴	۵/۹۳±۱/۶۹
۹ سلامت		۳۶	۸/۷	۲/۳۶±۱/۲۲	۶/۱۱±۰/۹۱
۱۰ لذت‌گرایی		۳۹	۹/۴	۱/۵۵±۱/۴۸	۵/۲۴±۱/۶۸
۱۱ هنر / فرهنگ		۱۹	۴/۶	۱±۱/۴۴	۳/۸۷±۱/۶۶
۱۲ رشد		۱۶	۳/۸	۰/۵۹±۲/۰۹	۵/۱۲±۲/۰۸
۱۳ خانه		۱۳	۳/۱	۰/۶۱±۲/۳۲	۵/۴۷±۱/۹۹
۱۴ تعهد اجتماعی		۱۰	۲/۴	۲±۰/۸۹	۵/۸۲±۱/۴۰
۱۵ حیوانات / طبیعت		۰	۰	-	-
۱۶ فناوری اطلاعات		۶۲	۱۵	۱/۲۶±۱/۸۶	۴/۷۱±۲/۰۱
۱۷ آینده		۵۱	۱۲/۳	۱/۳۵±۱/۶۴	۵/۴۶±۱/۸۵
۱۸ ظاهر شخصی		۲۷	۶/۵	۰/۱۳±۲/۰۵	۵/۰۷±۱/۸۲
۱۹ حق انتخاب		۲۷	۶/۵	۰/۴۱±۲/۰۹	۵/۳۳±۱/۸۲
۲۰ اخلاقیات		۲۶	۶/۳	۱/۲۷±۱/۸۲	۶/۰۹±۱/۳۸
۲۱ نیاز به پذیرش اجتماعی		۱۷	۴/۱	۰/۴۱±۱/۶۲	۵/۲۳±۱/۸۱
۲۲ خود	شخصی	۱۳	۳/۱	۱/۱۸±۲/۰۱	۶/۱۴±۱/۱۸
	اجتماعی	۳	۰/۷	۰/۳۳±۱/۵۲	۶±۱

در میان منابع جدید به دست آمده در این مطالعه حوزه‌ی "فناوری اطلاعات" بیشترین و حوزه‌ی "خود" کمترین فراوانی را داشتند. آزمودنی‌های این پژوهش در مجموع بیشترین میزان رضایت را از حوزه‌های "خانواده" و "سلامت" و داشته و کمترین میزان رضایت را از "ظاهر شخصی" و "مادیات" اعلام کردند. "خانواده" و "معنویات" بیشترین اهمیت و "فرهنگ و هنر" و "فناوری اطلاعات" کمترین اهمیت را در تعیین معنای زندگی در میان منابع معنا به خود اختصاص دادند.

در گام بعدی از تحلیل یافته‌های پژوهش تفاوت دختران و پسران در متغیرهای مورد پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا و به منظور روشن ساختن تفاوت فراوانی ذکر هر یک از منابع معنای زندگی در دو جنسیت از آزمون کای اسکوار استفاده گردید. نتایج حاصل از این تحلیل حاکی از آن است که از میان طبقات معنای زندگی، دختران و پسران در فراوانی ذکر ۱۵ طبقه‌ی معنای زندگی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. دختران با فراوانی بیشتری طبقات رابطه‌ی عاطفی ( $X^2(1) = 19/75, P < 0/001$ )، مادیات ( $P < 0/001, X^2 = 29/04$ )، سلامتی ( $X^2(1) = 8/73, P < 0/05$ )، رضایت ( $X^2(1) = 9, P < 0/05$ )، هنر ( $X^2(1) = 13/11, P < 0/001$ )، رشد ( $X^2(1) = 4/86, P < 0/05$ )، فناوری اطلاعات ( $X^2(1) = 38/04, P < 0/001$ )، حق انتخاب ( $X^2(1) = 13/91, P < 0/001$ )، ظاهر شخصی ( $X^2(1) = 24/27, P < 0/001$ )، تایید دیگران ( $X^2(1) = 5/61, P < 0/05$ ) و خود ( $X^2(1) = 4/96, P < 0/05$ ) را در میان منابع معنا بخش به زندگی ذکر کردند؛ در حالیکه، فراوانی ذکر طبقات ارتباطات اجتماعی ( $X^2(1) = 13/47, P < 0/001$ )، اوقات فراغت ( $X^2(1) = 5/12, P < 0/05$ )، خانه ( $X^2(1) = 8/21, P < 0/05$ ) و تعهد اجتماعی ( $X^2(1) = 4/86, P < 0/05$ ) در میان پسران به صورت معناداری بالاتر بود. تفاوت دختران و پسران در شاخص‌های کمی منابع معنا و نیز ابعاد معنای زندگی با استفاده از آزمون t مستقل مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۲. مقایسه‌ی دختران و پسران نوجوان در متغیرهای مورد پژوهش

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون لوین		آزمون t
				F	معناداری	
شاخص رضایت منابع معنا	پسر	۸۰/۸۶	۱۸/۶۶	۰/۶۳	۰/۴۲	۴/۶۴
	دختر	۷۲/۲۱	۱۹/۱۱			
شاخص رضایت منابع معنا	پسر	۸۲/۰۱	۱۷/۱۰	۱۸/۳۳	۰/۰۰۱	-۰/۴۴

					شاخص			
					۱۲/۰۵	۸۲/۶۶	دختر	اهمیت
					منابع معنا			
					۱۸/۵۶	۸۲/۷۳	پسر	شاخص
۰/۰۰۱	۴۱۴	۵/۰۲	۰/۱۲	۲/۳۲	۱۹/۱۲	۷۳/۴۱	دختر	وزنی رضایت
					۵/۲۵	۲۸/۲۵	پسر	وجود
۰/۰۰۱	۴۱۳/۸۲	۵/۷۷	۰/۰۰۲	۱۱/۲۲	۶/۳۸	۲۴/۹۶	دختر	معنای زندگی
					۴/۸۴	۲۸/۹۳	پسر	جستجوی
۰/۲۳	۴۱۴	-۱/۱۸	۰/۴۹	۰/۴۶	۴/۷۳	۲۹/۴۹	دختر	معنای زندگی

همانطور که در جدول ۲ قابل ملاحظه است، در خصوص منابع معنای زندگی دختران و پسران در شاخص‌های رضایت از منابع معنا و شاخص وزنی رضایت تفاوت معناداری داشته و پسران به طور کلی میانگین بالاتری در این دو مولفه داشته‌اند. در حوزه‌ی ابعاد معنای زندگی دو گروه در وجود معنای زندگی متفاوت بوده و مجدداً پسران میانگین بالاتری از معناداری در مقایسه با دختران به دست آورده‌اند.

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های مطالعه‌ی حاضر حاکی از آن است که علاوه بر منابع به دست آمده در پژوهش‌های پیشین، در این نمونه شاهد منابع تازه‌ای از معنای زندگی هستیم. همچنین تحلیل‌های صورت گرفته تفاوت‌های جالب توجهی را در خصوص مولفه‌های مختلف معنای زندگی در میان دختران و پسران آشکار می‌سازد.

در پژوهش حاضر "خانواده" به عنوان اولین منبع معنا بخش به زندگی بود که با بیشترین فراوانی از سوی بسیاری از آزمودنی‌های مورد مطالعه گزارش شد و به دنبال آن "ارتباطات اجتماعی" و "کار / تحصیل" بیشترین فراوانی را داشتند؛ یافته‌ای که با دیگر مطالعات در این زمینه همسو می‌باشد (به عنوان مثال بارتور، ساوایا و پراگر، ۲۰۰۱؛ افلاک‌سیر، ۲۰۱۲). لازم به ذکر است که اکثر مطالعات صورت گرفته در حوزه‌ی منابع معنای زندگی نخستین منبع معنا بخش به زندگی را ارتباطات ذکر کرده و خانواده به عنوان زیر مجموعه‌ای در این طبقه قلمداد می‌گردد. به عنوان مثال تیلور و ابرسول (۱۹۹۳) و دی‌وگلر و ابرسول (۱۹۸۳)

در مطالعات خود دریافتند که در همه‌ی گروه‌های مورد مطالعه (از کودکی تا سالمندی) "روابط" بالاترین درجه‌بندی را در پاسخ شرکت کنندگان به خود اختصاص داده بود. این طبقه شامل تعاملات با خانواده، دوستان و شرکای عاطفی بود. هارلو و نیوکامب<sup>۱</sup> (۱۹۹۰)، دییتس، درست و هانسن (۱۹۹۵)؛ پراگر (۱۹۹۷)، اکونر<sup>۲</sup> و چمبرلین (۱۹۹۶) و دییتس (۱۹۹۹) نیز به نتایج مشابهی دست یافتند.

خانواده اساسی‌ترین عاملی است که از نظر هیجانی و اقتصادی نوجوان را حمایت کرده و حسی از هویت و تعلق در او ایجاد می‌کند (حق‌دوست، اباذری، عباس‌زاده و درتاج، ۲۰۱۴). در واقع خانواده بنیادی‌ترین زمینه را برای رشد روانی-اجتماعی نوجوان ایجاد کرده و روابط خانوادگی یک عامل حفاظتی قوی برای او به شمار می‌رود (کرمی، شهرستانی، توانایی و آسیایی، ۱۳۹۱). ارتباط با خانواده در مقایسه با ارتباط با دوستان همبستگی بیشتری را با معنا و هدف در زندگی نشان می‌دهد (برونک، ۲۰۱۴). رابطه با والدین به عنوان یکی از عوامل مهم در بهزیستی نوجوانان شناخته شده است. اساساً تحول روان‌شناختی نوجوان در خلال روابط شکل می‌گیرد و انزوا و ناکامی مزمن در روابط زمینه‌ساز رنج روان‌شناختی است. تعامل مثبت با اطرافیان در قالب روابط اجتماعی امکان تجربه‌ی فعالیت‌های مشترک و خوشایند را فراهم ساخته و از سوی دیگر در فرایند شکل‌گیری هویت به نوجوان کمک می‌کند که درکی عمیق‌تر از خود و دنیای اطرافش داشته باشد (تقوی، آزاد فلاح، موتابی و طلایی، ۱۳۹۴).

در میان طبقات منابع معنای زندگی "تعهد اجتماعی" کمترین میزان تکرار را در این نمونه از نوجوانان به خود اختصاص داد. دلیل این یافته پژوهشی را می‌توان در اولویت‌های ارزشی متفاوت نوجوانان در مقایسه با سایر گروه‌های سنی جستجو کرد. به نظر می‌رسد افراد در این رده‌ی تحولی بسیار مشغول خود، هویت‌یابی و کشف ارتباطی نوین با دنیای اطراف خود هستند؛ از این رو عواملی چون انسان‌دوستی، کمک به دیگران، مفید بودن و کار داوطلبانه، به عنوان نمونه‌هایی از مولفه‌های تعهد اجتماعی، منبعی معنا بخش در زندگی آنها قلمداد نمی‌گردد. این یافته با نظریات تحولی همچون اریکسون (۱۹۸۵) همخوانی دارد که بیان داشتند جوانان غالباً مشغول خود بوده و به دنبال ایجاد یک هویت شخصی، توسعه و ایجاد روابط فردی و دستیابی به یک حس تسلط حرفه‌ای هستند. مطابق با دیدگاه اریکسون

1. Harlow & Newcomb  
2. O'Connor

در تحول بهنجار آدمی می‌توان شاهد یک فرایند تکامل تدریجی از خودگرایی به دیگرگرایی<sup>۱</sup> بود. البته تکامل این فرایند را می‌توان در بزرگسالی و عمدتاً میانسالی ملاحظه نمود. به عبارتی می‌توان چنین مطرح نمود که همچنانکه افراد رشد می‌یابند، از ارزش‌های ابزاری و اهداف فردی به سمت و سوی ارزش‌هایی چون خدمت‌رسانی به دیگران، و پیوند با دیگر انسان‌ها در سطوح وسیع‌تر اجتماعی حرکت می‌کنند (رکر، ۱۹۹۴). به عبارتی گویی فرد در ابتدای فرایند تشکیل معنا و در سنین پایین‌تر بیشتر ارزش‌هایی فردگرایانه را ارج می‌نهد و با حرکت در چرخه‌ی تحول رو به سوی ارزش‌هایی انسان‌گرایانه می‌گذارد.

طبقه‌ی "طبیعت/حیوانات" از سوی هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان نوجوان این پژوهش به عنوان یک حوزه‌ی معنابخش به زندگی گزارش نشد. این یافته‌ی پژوهش حاضر همسو با مطالعه‌ی کودلا و همکاران (۲۰۱۵) می‌باشد، که از معدود مطالعاتی است که در چارچوب فرهنگی غیر غربی به بررسی منابع معنای زندگی پرداخته است. این در حالی است که برخی مطالعات بر روی منابع معنای زندگی این حوزه را به عنوان یکی از عوامل معنا بخش به زندگی افراد گزارش می‌دهند (اکونر و چمبرلین، ۱۹۹۶؛ لین، ۲۰۰۱؛ فنگ و همکاران، ۲۰۰۷؛ رکر و وو، ۲۰۱۱). علاوه بر اینکه غالب این دست مطالعات بر روی گروه‌های سنی بزرگسال صورت گرفته است، این یافته‌ی پژوهش می‌تواند نشانگری از تفاوت‌های بین فرهنگی نیز در خصوص منابع معنای زندگی باشد. طبیعت به عنوان یک منبع معنا بخش به زندگی برای افرادی که در میانسالی (اکونر و چمبرلین، ۱۹۹۶) یا سالمندی (رکر و وو، ۲۰۱۱) قرار دارند، گزارش شده است. این می‌تواند بدان دلیل باشد که افراد در رده‌های تحولی مذکور حسی از معنای هستی‌شناسانه و وجودی از نزدیکی به طبیعت گرفته و این عامل بهزیستی آن‌ها را ارتقاء می‌دهد (هوول، پسمور و بورو، ۲۰۱۳). به صورت نظری می‌توان مولفه‌هایی از معنای زندگی را در نزدیکی به طبیعت یافت که بیشتر با رده‌های سنی بزرگسالی همخوانی دارد و نه دوران نوجوانی؛ برخی از این مولفه‌ها عبارتند از: فراروی از خود<sup>۳</sup>، وصل بودن<sup>۴</sup> به چیزی فراتر از زندگی فردی و نگاه به زندگی در قالب بخشی از یک طرح بزرگ‌تر (هوول، پسمور و بورو، ۲۰۱۲). این در حالیست که همانطور که ذکر شد نگاه

- 
1. self-centered to other-centered
  2. Howell, Passmore & Buro
  3. Self-transcendence
  4. Connectedness



نوجوان به معنای زندگی نگاهی بیشتر فرد گرایانه بوده و به ندرت و به جز محدوده‌ی ارتباط با دیگران از خود فرد نوجوان فراتر رفته و مولفه‌های هستی‌نگرانه را در بر می‌گیرد. تبیین دیگری که در خصوص این یافته‌ی پژوهش حاضر می‌توان در نظر گرفت وجود تفاوت‌های فرهنگی در مطالعات و نمونه‌های مورد بررسی پیشین است. سازه‌ی چندبعدی معنا متشکل از عناصر مرتبط شناختی، انگیزشی و عاطفی مانند باورها، ارزش‌ها و احساس رضایت می‌باشد (اکونر و چمبرلین، ۱۹۹۶). این عناصر برگرفته از منابع مختلفی هستند که خود از زمینه‌های شخصی که معنا در آن‌ها تجربه می‌شود، گرفته شده‌اند. ارزش‌ها و باورها زیرسازهای منابع معنا بوده و لذا متناسب با زمینه‌ی فرهنگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناسی تغییر می‌کنند. بنابراین منابع معنای زندگی هر فرد منعکس‌کننده‌ی تعامل بین زمینه‌های سطح خرد زندگی<sup>۱</sup> و سیستم ارزشی فرهنگی و تاریخی در سطح کلان می‌باشد (کافمن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷) منظور از زمینه‌های زندگی تفاسیر ذهنی از میراث فرهنگی فرد می‌باشد که بیانگر رشد یافتن، زندگی و کسب معنا از برخی از تجارب فرهنگی خاص می‌باشند (کافمن، ۱۹۸۷). این زمینه‌ها پایه‌ای برای درک افراد از این که چه کسی هستند و خود را در چارچوب اجتماعی چگونه ادراک می‌کنند به دست می‌دهد. ارزش‌ها تداعی باورهای است که به صورت وسیعی قابل قبول بوده و برگرفته از یک جامعه‌ی خاص در گذر زمان می‌باشد. این ارزش‌ها شخص را در یک چارچوب تاریخی- فرهنگی خاص قرار داده و به شکل گرفتن ساختار زندگی او کمک می‌کنند. به نظر نمی‌رسد ارتباط با حیوانات و طبیعت چنانکه در فرهنگ‌های غربی رایج است در میان نمونه‌ای از افراد جامعه‌ی ما نیز برجسته باشد، به طوریکه در منابع معنا بخش به زندگی نمایان شود.

این تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند دلیلی احتمالی برای دستیابی به طبقات جدید از منابع معنای زندگی در مطالعه‌ی حاضر باشد. طبقات جدید منابع معنا بخش به زندگی که در مطالعه‌ی حاضر به دست آمد، در کنار ویژگی‌های تحولی مختص نوجوانی، تفاوت‌های بین فرهنگی را نیز در این زمینه برجسته می‌سازد. این طبقات جدید مشتمل بر "فناوری اطلاعات، آینده، حق انتخاب، ظاهر شخصی، اخلاقیات، نیاز به پذیرش اجتماعی و خود" بودند. در میان منابع جدید به دست آمده در این مطالعه حوزه‌ی "فناوری اطلاعات" بیشترین و حوزه‌ی "خود" کمترین فراوانی گزارش شده را از سوی نوجوانان مورد مطالعه داشتند. برخی از این

- 
1. Micro level life themes
  2. Kaufman

منابع معنا بخش به زندگی در برخی مطالعات در این حوزه نیز به دست آمده‌اند؛ منابعی چون اخلاق (باتیستا و آلموند<sup>۱</sup>، ۱۹۷۳)، ظاهر شخصی (تیلور و ابرسول، ۱۹۹۳، دی و گلر و ابرسول، ۱۹۸۳) و آرزوها (کودلا و همکاران، ۲۰۱۵). اما علت ظهور هر یک از این منابع جدید در حوزه‌های معنا بخش به زندگی نوجوانان در این مطالعه چه می‌تواند باشد؟

اینترنت و دیگر مشخصه‌های فناوری اطلاعات (گوشی، تبلت، کامپیوتر) در دنیای حاضر نقشی چشمگیر در روند هر روزه‌ی زندگی افراد جامعه به ویژه افراد جوان تر ایفا می‌کند. فرصت‌های بیشماری که حضور در این گونه فضاهای مجازی در اختیار کاربران آنها قرار می‌دهد، همراه با خشنودی‌های حاصل از آن افراد را هر چه بیشتر به سمت و سوی این گونه فناوری‌ها می‌کشاند. بر اساس گزارش آمار جهانی اینترنت<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) آسیا در مجموع ۴۵/۷٪ کاربران اینترنت در سطح جهان را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین مطابق با آمار منتشر شده‌ی مرکز آمار ایران (۱۳۹۲) ۴۵/۹٪ خانوارهای کشور دارای رایانه بوده و ۱۴٪ کاربران اینترنت را افراد ۶ تا ۱۴ سال و ۲۱/۲٪ این کاربران را افراد ۱۵ تا ۲۴ سال شامل می‌شود. امروزه نوجوانان به طور فزاینده‌ای از ابزارهای فناوری اطلاعات چه در راستای سرگرمی و چه در راستای فعالیت‌های درسی استفاده می‌کنند (دیر، چن و نمین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). به استناد پژوهش‌های صورت گرفته سن استفاده از اینترنت در میان کاربران آن پایین آمده (شن، لیو و ونگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲) و اگرچه آمار دقیقی در این خصوص در دسترس نیست، اما میزان شیوع استفاده از برخی از جلوه‌های فناوری اطلاعات از قبیل وایبر، تلگرام و دیگر برنامه‌های مشابه به وضوح در میان نوجوانان در حال افزایش است. به این ترتیب جای تعجبی نیست که این عامل به عنوان یک منبع معنا بخش به زندگی در میان این گروه سنی نمود یابد.

دغدغه‌های مربوط به آینده از قبیل اهداف و آرزوهای معطوف به آینده و داشتن آینده‌ای خوب منبع دیگری بود که در میان منابع جدید به دست آمده از نظر فراوانی در رتبه دوم قرار داشت. از مشخصه‌های بارز نوجوانی ظهور تمرکزی خاص بر آینده و ایجاد دیدگاهی از این مفهوم زمانی به عنوان سازه‌ای کلی<sup>۵</sup> و جامع متشکل از مراحل نزدیک، میانی و دور از ادامه‌ی مسیر زندگی است (بارگینا<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵). دغدغه‌ها و انتظارات مرتبط با

- 
1. Battista & Almond
  2. Internet World Stats
  3. Dhir, Chen & Nieminen
  4. Shen, Liu & Wang
  5. Holistic
  6. Bragina

آینده در این دوره‌ی تحولی شایع می‌باشد و اندیشیدن در این خصوص و شکل‌دهی به ادراکاتی از خود در چارچوب آینده می‌تواند نقش بسیار مهم‌تری در نوجوانی در مقایسه با دیگر مراحل تحولی داشته باشد (آیوو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴). چگونگی تفکر نوجوان در خصوص آینده شیوه‌ی ادراک او از موقعیت‌های کنونی و نحوه‌ی رفتار او را در آن‌ها شکل می‌دهد (نگرو، سابتیریکا و اوپر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲) و انتظارات مثبت در این راستا می‌تواند میزان مشارکت نوجوانان در رفتارهای سالم را در ابتدای بزرگسالی پیش‌بینی کند (مک‌دید، چیو، دانکن و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). لذا انعکاس آینده و مولفه‌های مرتبط با آن در میان منابع معنای زندگی در گروهی از نوجوانان جای تعجب ندارد.

حوزه‌ی دیگری که تحت عنوان یک منبع معنای زندگی در نوجوانان این مطالعه ظاهر شد حق انتخاب یعنی آزادی و استقلال بود. کسب استقلال به ویژه از والدین یکی از دغدغه‌های اصلی نوجوانی به شمار می‌رود و استقلال‌طلبی از ویژگی‌های بارز دوران نوجوانی است. در حقیقت مشخصه‌ی اصلی نوجوانی را می‌توان رهایی از وابستگی‌های کودکی به والدین و رسیدن به خودکفایی و استقلال در زمینه‌های مختلف قلمداد نمود. نوجوان بایستی هویت اجتماعی و شناختی مجزایی برای خود تشکیل داده و از زیر چتر حمایتگر والدین خارج شود (ودادیان، قنبری هاشم‌آبادی و مشهدی، ۱۳۹۰). "در جریان جدایی از تعلقات کودکانه‌ی پیشین نوجوان هویت جسمی، جنسی و فکری و روحی خود را باور کرده و با کمک از تفکر انتزاعی که در این سال‌ها در او حاصل شده است، به ایفای نقش‌های مستقل در ارتباط با خانواده، همسالان و جامعه می‌پردازد" (شهرآرای، ۱۳۸۴، ص ۱۲۹). استقلال و فاصله گرفتن از والدین به ویژه برای کسب اعتماد نسبت به توانایی‌های خود برای نوجوان ضروری به شمار می‌رود. به همین دلیل بسیاری از نوجوانان قوانین را در تضاد با آزادی و استقلال خود می‌دانند و محدودیت‌های اعمال شده از سوی والدین، مدارس و مسئولان را در تعارض با حق خود برای آزاد بودن قلمداد می‌کنند (هولینگ و توریل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). استقلال در ساده‌ترین سطح به معنای توانایی فرد برای تامین نیازهای اساسی خود است؛ نیازهایی که در اوایل زندگی توسط والدین و دیگران برآورده می‌شد. در سطح‌های

1. Iovu
2. Negru, Subțirică & Opre
3. McDade, Chyu, Duncan, Hoyt, Doane & Adam
4. Helwig & Turiel

پیچیده‌تر استقلال عمیق‌ترین علایق فرد را نیز در بر گرفته تمایل به آزادی در تصمیم‌گیری‌های فردی در این مرحله از تحول به اوج خود می‌رسد.

ظاهر شخصی مشتمل بر مواردی چون زیبایی جسمی و فیزیکی، کم کردن وزن، خوش لباس بودن، خوش اندام بودن، به روز بودن لباس و پوشش، منبع معنای دیگری بود که در میان منابع معنابخش به دست آمده در پژوهش حاضر جای داشت. نوجوانان دغدغه‌ی بسیاری در خصوص ظاهر خود دارند و بر این باورند که دیگران نیز اهمیت بسیاری برای ظاهر آن‌ها قائل هستند. افراد در این رده‌ی تحولی زمان زیادی صرف تجربه و آزمون چهره‌های جدیدی از خود با امتحان کردن آرایش‌های متنوع و شیوه‌های متنوع در پوشش می‌کنند. این کار در راستای تحول و دستیابی به یک تصویر بدنی مطلوب انجام می‌گیرد. تصویر ذهنی از بدن یکی از ابعاد مهم خود ارزیابی در این دوره‌ی تحولی به شمار می‌رود؛ این سازه‌ی چند بعدی و پویا که متشکل از مولفه‌های شناختی و هیجانی است (بارگینا، ۲۰۱۵)، عموماً به عنوان میزان رضایت از ظاهر فیزیکی یا به عبارتی عدم تفاوت در تصویر کنونی بدن و تصویر ایده‌آل بدنی شناخته می‌شود (دهقانی، چهرزاد، جعفری اصل، سلیمانی، کاظم‌نژاد، ۱۳۹۱). ظهور عامل ظاهر شخصی به عنوان یک منبع معنابخش به زندگی می‌تواند انعکاسی از دغدغه‌ی همواره‌ی نوجوانان در این حوزه باشد.

آزمودنی‌های این پژوهش همچنین کمترین میزان رضایت خود را در میان منابع مختلف معنای زندگی از "ظاهر شخصی" گزارش کردند. در مورد جذابیت ظاهری ملاک‌هایی از سوی خانواده بافت فرهنگی عقیدتی مدرسه و جامعه و نیز ملاک‌های موجود در روند جهانی شدن به نوجوان انتقال می‌یابد گاهی در تناقض یا یکدیگر قرار می‌گیرد (تقوی و همکاران، ۱۳۹۴). از مهم‌ترین دلایل نارضایتی از تصویر بدنی را در کنار تغییرات بسیار زیاد و سریع جسمی در این دوره‌ی تحولی، می‌توان همین استانداردها و هنجارهای فرهنگی حاکم و رایج دانست؛ هنجارها و استانداردهایی که با حجم وسیع تبلیغات رسانه‌ای و از مجراهای مختلفی چون اینترنت، ماهواره و سایر رسانه‌ها انتشار می‌یابد. ناهمخوانی با این تصویرها برای نوجوان که دائماً در معرض تاثیر شدید همسالان و مقایسه‌های اجتماعی قرار دارد، می‌تواند منجر به نارضایتی درونی، عدم احساس خودارزشی و ناسازگاری گردد (تمنایی‌فر و منصورنیک، ۱۳۹۰).

اخلاقیات یا به عبارتی عواملی چون مهربانی، عشق و محبت، خوش اخلاق بودن و صداقت منبع دیگری بود که نوجوانان در این پژوهش به عنوان یک حوزه‌ی معنابخش به



زندگی از آن یاد کردند. اگرچه توانایی‌های فزاینده‌ی شناختی نوجوانان بیشتر آن‌ها را متوجه مسائل و ارزش‌های اخلاقی می‌کند (لطف‌آبادی، ۱۳۹۳)، اما ظهور اخلاقیات به عنوان یک منبع معنا بخش به زندگی را می‌توان حاصل تاثیر فرهنگ و تفاوت‌های فرهنگی موجود میان نمونه‌ی این پژوهش و سایر پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌ی منابع معنای زندگی دانست. همچنانکه پیش‌تر ذکر شد منابع معنا بخش به زندگی افراد تا حد زیادی تحت تاثیر چارچوب‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ی خاص قرار دارد. با توجه به گستره‌ی عظیم تاثیرات دین بر ساختار فرهنگ کشور ما جای تعجبی نیست که برخی آموزه‌های اخلاقی دین اسلام از چنان اهمیت و برجستگی در میان افراد برخوردار باشد، که در معنای زندگی آن‌ها به عنوان دیدگاه و چارچوبی که از آن به خود و زندگی می‌نگرند، تجلی یابد. آموزه‌هایی چون صداقت، محبت، راستی، درستی، حفظ حقوق دیگران و احترام به دیگران همه و همه از جمله تعلیمات و دستورات دینی است که تاثیر قابل توجهی بر فرهنگ ارتباطی جامعه ما داشته و دارد. آموزه‌هایی که افراد از مجراهای مختلفی چون خانواده و مدرسه به کرات تحت تاثیر آن قرار می‌گیرند.

منبع دیگر معنا یعنی نیاز به پذیرش اجتماعی مشتمل بر مواردی چون آبرو، احترام از سوی دیگران، احساس ارزشمند بودن در نگاه دیگران و توجه از سوی دیگران بود. اهمیت به نظر دیگران در بافت فرهنگی قابل تفسیر است. در بررسی دیدگاه کودکان و نوجوانان به بهزیستی مدل‌های فرهنگی در خصوص "خود" شایان توجه هستند. برای نوجوانی که در جامعه‌ای با فرهنگ جمع‌گرا زندگی می‌کند شکل‌گیری خود وابسته به دیگران مهم‌تر از خود مستقل تلقی می‌شود. از این رو توجه به تایید دیگران در نمونه‌هایی از این دست جوامع قابل ملاحظه است (تقوی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ و این همان مساله‌ای است که در یافته‌های پژوهش حاضر شاهد آن هستیم. از نقطه نظر فرهنگی و با توجه به جمع‌گرایی حاکم بر خانواده‌های ایرانی، فرهنگ ایرانی را می‌توان نوعی "فرهنگ با وابستگی درونی" به شمار آورد (واتکینز، مرتضوی و تروفیمووا، ۲۰۰۰)؛ در حقیقت و از نقطه نظر فرهنگی این وابستگی درونی غالباً در فرهنگ‌هایی جمع‌گرا قابل ملاحظه می‌باشد، یعنی فرهنگ‌هایی که به منافع گروهی (گروه‌هایی که فرد خود را عضوی از آن‌ها می‌پندارد) اولویت می‌دهند،

- 
1. Interdependent Culture
  2. Watkins
  3. Trofimova

مانند گروه خانواده در ایران و تیم‌های کاری و شغلی در ژاپن (مرتضوی، ۱۳۸۶). به عنوان مثال، یک فرد ایرانی با وجود حفظ پیوندهای قوی عاطفی و هیجانی با والدین و اقوام خود، در حالت بروز تعارض بین منافع شخصی و خانوادگی، احتمالاً به منافع خانوادگی اولویت داده و حفظ آبروی خانواده برای او دارای اهمیت بالاتری می‌باشد (مرتضوی، ۱۳۸۱).

خود منبع دیگری بود که شرکت کنندگان در این پژوهش در میان حوزه‌های معنابخش به زندگی از آن یاد کرده بودند. تحلیل‌های صورت گرفته دو زیر مجموعه در این طبقه را به دست داد: (۱) خود شخصی شامل مواردی چون "خودم، توانایی‌هایم، استعدادهایم، هویت‌م، شخصیت‌م" و (۲) خود اجتماعی مشتمل بر مثال‌هایی چون "کشورم، ملیتم، شهرم". رشد هویت را معمولاً یکی از جنبه‌های رشد خود به حساب می‌آورند. رشد خود یک مبحث مهم در تحول نوجوانی قلمداد می‌گردد و مهم‌ترین موضوعات آن شامل رشد خود‌انگاره یا مفهوم خود و عزت نفس یا ارزش‌نهادن بر شایستگی‌های خود می‌باشد. نوجوانان غالباً یک خود ایده‌آل را که دائماً در مقایسه با خود واقعی است در خویشتن رشد می‌دهند. خودآگاهی فزاینده‌ی نوجوان و تاکید او بر خود تا حد زیادی حاصل جدایی او از بزرگسالان و تلاش در راستای استقلال می‌باشد. تجارب نوجوان در جریان ایفای نقش‌های مختلف و رفتارهایی که پذیرش و تایید دیگران را بر می‌انگیزد، موجب تلفیق و هماهنگی عناصر تشکیل‌دهنده‌ی خود در او می‌گردد (شهرآرای، ۱۳۸۴). در این مرحله از تحول "خود توصیفی‌های" فرد در مقایسه با کودکی بیشتر شامل ویژگی‌های اجتماعی و شخصیتی بوده و عناصری از نظام‌های اعتقادی و ارزشی در آن‌ها دیده می‌شود (لطف‌آبادی، ۱۳۹۳). در واقع مفهوم خود در کودکی با مفهوم خود خانوادگی در هم آمیخته بوده و کودک از خود آگاهانه‌ی پدر و مادر تقلید و تبعیت می‌کند (شهرآرای، ۱۳۸۴) و گام اصلی در رشد هویت را می‌توان همین جدا شدن خودانگاره‌ی نوجوان از خودانگاره‌ی عمومی خانواده دانست. تجلی خود به عنوان یک منبع معنای زندگی در این گروه از نوجوانان را می‌توان حاصل برجستگی رشد ابعاد مختلف خود در این دوره از تحول قلمداد نمود.

پژوهش حاضر همچنین به تفاوت‌های جنسیتی میان دختران و پسران در خصوص برخی مولفه‌های معناداری مورد مطالعه دست یافت. در ابتدا و در خصوص منابع معنای زندگی تحلیل‌ها حاکی از آن بود که فروانی ذکر اغلب منابع معنای زندگی در میان دختران و پسران تفاوت معنادار داشته و دختران و پسران منابع متفاوتی را معنابخش به زندگی خود قلمداد می‌کنند. این یافته‌ی پژوهش حاضر با مطالعات دیگری به تفاوت‌هایی در منابع معنابخش به

زندگی زنان و مردان دست یافتند همسو می‌باشد (بام و استیوارت، ۱۹۹۰؛ پراگر، ۱۹۹۷؛ بارتور و همکاران، ۲۰۰۱؛ شفر، کلینگمن و لوکاس، ۲۰۰۳؛ شنل، ۲۰۰۹). تفاوت‌های فیزیولوژیک، روانی، اجتماعی و فرهنگی بین زن و مرد خود را در منابعی که به زندگی این دو گروه معنا می‌دهد نیز نشان می‌دهد (بارتور و همکاران، ۲۰۰۱).

یافته‌های پژوهش در خصوص دیگر مولفه‌های معنای زندگی (شاخص‌های رضایت از منابع معنا، شاخص وزنی رضایت و وجود معنای زندگی) نشان می‌دهد که پسران میانگین بالاتری در مقایسه با دختران به دست آورده‌اند. این یافته همسو با نتایج مطالعاتی است معنای زندگی بالاتری را در مردان گزارش می‌کنند (کرامباف، ۱۹۶۸؛ اورباچ و همکاران، ۱۹۸۷). هر سه مولفه‌ی رضایت از منابع معنا، شاخص وزنی رضایت و وجود معنای زندگی شاخصی از معناداری زندگی قلمداد شده و از آنجا که به استناد تحقیقات صورت گرفته معنای زندگی بیشتر منعکس کننده‌ی میزان بهزیستی بالاتر به شمار می‌رود (پارک و همکاران ۲۰۱۰؛ استگر و همکاران، ۲۰۱۱)، یافته‌ی فوق به عبارتی بدان معنا است که شرکت کنندگان پسر در این پژوهش بهزیستی بالاتری را در مقایسه با دختران گزارش کرده و نشان می‌دهند. اما این تفاوت جنسیتی در میزان معناداری و در نتیجه سطح بهزیستی افراد نوجوان از کجا نشأت می‌گیرد؟ یکی از دلایل چنین یافته‌ای را می‌توان در این مساله جستجو کرد که به استناد مطالعات صورت گرفته در این خصوص، زنان در مقایسه با مردان در تجربه‌ی عواطف منفی نمره‌های بالاتری گزارش می‌دهند (نولن-هوکسما<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). علاوه بر این تغییر و تحولات بدنی چون بلوغ زودتر، شروع قاعدگی و عدم تعادل هورمونی می‌تواند منجر به بهزیستی روانی پایین‌تر دختران در مقایسه با پسران گردد (مایکل، بیسگر، فوهر و ایبل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹). به عبارتی، از آنجایی که منابع استرس و امکانات مختلفی در اختیار هر یک از افراد دو جنسیت قرار می‌گیرد که منجر به تفاوت در میزان سلامتی آن‌ها می‌گردد، دختران و پسران از نظر ابعاد و میزان بهزیستی با یکدیگر تفاوت دارند (ونگ و میائو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷). یکی دیگر از علل بهزیستی پایین‌تر دختران نوجوان را می‌توان در عوامل فرهنگی و اجتماعی حاکم بر نمونه‌ی حاضر جستجو کرد. در جامعه‌ی ما دختران با محدودیت‌های اجتماعی و سنتی بیشتری در مقایسه با پسران رو به رو هستند. شرایط اجتماعی حاکم بر خانواده‌های امروزی در کشور ما

1. Nolen-Hoeksema
2. Michel, Bisegger, Fuhr & Abel
3. Wang & Miao

علیرغم تفاوت قابل توجهی که با سال‌های پیش داشته، کماکان محدودیت‌ها و فشارهای بیشتری را بر دختران در مقایسه با پسران وارد می‌سازد. این فشارهای اجتماعی در کنار تجربه‌ی تغییرات جسمی و هورمونی در این دوره‌ی تحولی می‌تواند تبیینی برای میانگین پایین‌تر دختران نوجوان در مولفه‌های معناداری زندگی در این مطالعه باشد.

نهایتاً لازم به ذکر است که عدم شمول نوجوانان با وضعیت سلامت جسمی متفاوت به عنوان یک محدودیت به نوعی تعمیم یافته‌های پژوهش را محدود می‌سازد. با توجه به رابطه‌ی میان معنای زندگی و سلامت جسمی، به نظر می‌رسد مقایسه‌ی مولفه‌های معناداری از قبیل منابع و ابعاد معنا در میان نوجوانان سالم و بیمار نتایج جالب توجهی را در بر داشته باشد؛ مسأله‌ای که پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی تجربی در این حوزه مورد بررسی قرار گیرد.

اهمیت و برجستگی روان‌شناختی معنای زندگی به صورت فزاینده‌ای توسط تحقیقات تجربی به تایید می‌رسد. مطالعه‌ی حاضر با شفاف ساختن ساختار منابع و ابعاد معنای زندگی در یک دوره‌ی تحولی که به نظر می‌رسد آغاز فرایند ساخت معنا در چرخه‌ی زندگی انسان باشد، به دانش موجود در این زمینه می‌افزاید. یافته‌های این مطالعه می‌تواند به عنوان مبنایی برای مقایسه در مطالعات مرتبط در حوزه‌ی معنا و نیز ارزیابی مداخلات روان‌شناختی با رویکرد معنادرمانی در این گروه سنی مورد استفاده قرار بگیرد.

### منابع

بهادری خسرو شاهی، جعفر و علیلو، مجید محمود. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سبک‌های هویت با معنای زندگی در دانشجویان. *مجله‌ی مطالعات روان‌شناختی*، ۲ (۳۱)، ۱۶۴-۱۴۳.

ودادیان، زهرا؛ قنبری هاشم‌آبادی، بهرام علی و مشهدی، علی. (۱۳۹۰). بررسی اثر بخشی گروه‌درمانی چندخانواده‌ای بر حل تعارضات والدین-فرزندان و کاهش پرخاشگری نوجوانان دختر ۱۴-۱۵ ساله شهر مشهد. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۴، ۴۱-۱۹.

کرمی، ابوالفضل؛ شهرستانی، ملیحه؛ توانایی یوسفی، سمیرا و آسیایی، مینا. (۱۳۹۱). الگوهای ارتباطی خانواده و مهارت‌های مقابله با استرس به عنوان پیش‌بین‌های استعمال



دخانیات در نوجوانان پسر سیگاری و غیر سیگاری ۱۳ تا ۱۸ سال شهر مشهد. فصلنامه مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۷، ۱۴۴-۱۲۱.

تقوی، ن. آزاد فلاح، پ. موتابی، ف. و طلایی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل کیفی بهزیستی فاعلی از دیدگاه دختران نوجوان. فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۴۳، ۲۴۶-۲۲۹.

تمنایی فر، محمدرضا و منصوری نیک، اعظم. (۱۳۹۰). ارتباط تصویر بدن و سازگاری در نوجوانان. مجله‌ی تحقیقات علوم پزشکی زاهدان، ۱۳ (۶)، ۱۲-۸.  
دهقانی، مریم. چهارزاد، مینو میترا. جعفری اصل، معصومه. سلیمانی، ربابه و کاظم‌نژاد، احسان. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط رضایت از تصویر ذهنی بدنی با الگوهای فرهنگی-اجتماعی در دختران نوجوان شهر رشت. مجله‌ی علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، ۳ (۳۹)، ۳۴-۲۶.

شهر آرای، مهرناز. (۱۳۸۴). روان‌شناسی رشد نوجوان (دیدگاه تحولی). تهران: علم.  
لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۹۳). روان‌شناسی رشد (۲): نوجوانی، جوانی و بزرگسالی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).  
مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۱). ارتباطات خانوادگی، ارزش‌های فرهنگی و خودپنداره نمونه‌هایی از دانشجویان و کارمندان یک دانشگاه ایرانی (شهید بهشتی) و یک دانشگاه آمریکایی (پرتلند). قرارداد پژوهشی با معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی.  
مرتضوی، شهرناز. (۱۳۸۶). روان‌شناسی اجتماعی: نمونه‌هایی از پژوهش‌های درون و بین فرهنگی. تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.  
مرکز آمار ایران. (۱۳۹۲). نتایج آمارگیری استفاده‌ی خانوارها و افراد از فناوری اطلاعات و ارتباطات. بازیابی شده از:

[http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1392/n\\_taekhvaafeve\\_92.pdf](http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/fulltext/1392/n_taekhvaafeve_92.pdf)

Adamson, L. & Lyxell, B. (1996). Self-concept and questions of life: Identity development during late adolescence. *Journal of Adolescence*, 19(6), 569-582.

Aflakseir, A. (2012). Religiosity, personal meaning, and psychological well-being: A study among Muslim students in England. *Pakistan Journal of Social and Clinical Psychology*, 9(2), 27-31.

Bar-Tur, L; Savaya, R. & Prager, E. (2001). Sources of meaning in life for young and old Israeli Jews and Arabs. *Journal of Aging Studies*, 15(3), 253-269.

- Battista, J. & Almond, R. (1973). The development of meaning in life. *Psychiatry*, 36(4), 409-427.
- Baum, S. K. & Stewart JR, R. B. (1990). Sources of meaning through the lifespan. *Psychological Reports*, 67(1), 3-14.
- Boyras, G; Lightsey Jr, O. R. & Can, A. (2013). The Turkish Version of the Meaning in Life Questionnaire: Assessing the Measurement Invariance across Turkish and American Adult Samples. *Journal of personality assessment*, 95(4), 423-431.
- Bragina, I. V. (2015). Body Image and the Future Time Perspective of Russian Adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191, 378-382.
- Brassai, L; Piko, B. F. & Steger, M. F. (2012). Existential Attitudes and Eastern European Adolescents' Problem and Health Behaviors: Highlighting the Role of the Search for Meaning in Life. *Psychological Record*, 62(4), 719.
- Bronk, K. C. & Finch, W. H. (2010). Adolescent characteristics by type of long-term aim in life. *Applied Developmental Science*, 14(1), 35-44.
- Bronk, K. C. (2014). Purpose across the Lifespan. In *Purpose in Life* (pp. 69-89). Springer Netherlands.
- Bronk, K. C; Finch, W. H. & Talib, T. L. (2010). Purpose in life among high ability adolescents. *High Ability Studies*, 21(2), 133-145.
- Crumbaugh, J. C. (1968). Cross-validation of Purpose-in-Life test based on Frankl's concepts. *Journal of individual psychology*, 24(1), 74-81.
- Debats, D. L; Drost, J. & Hansen, P. (1995). Experiences of meaning in life: A combined qualitative and quantitative approach. *British Journal of Psychology*, 86, 359.
- Devogler, K. L. & Ebersole, P. (1983). Young Adolescents' Meaning in Life. *Psychological Reports*, 52(2), 427-431.
- Dhir, A; Chen, S. & Nieminen, M. (2015). Predicting adolescent Internet addiction: The roles of demographics, technology accessibility, unwillingness to communicate and sought Internet gratifications. *Computers in Human Behavior*, 51, 24-33.
- Dittmann-Kohli, F. & Westerhof, G. J. (1999). The Personal Meaning System in. *Exploring existential meaning: Optimizing human development across the life span*, 107.
- Erikson, E. H. (1968). The life cycle: Epigenesis of identity. *Identity: Youth and crisis*. New York: WW Norton. KO, & Hansson, 205-216.
- Erikson, E. H. (1985). *The life cycle completed: A review*. New York: W. W. Norton & Company.
- Fegg, M. J; Kramer, M; L'hoste, S; and Borasio, G. D. (2008). The Schedule for Meaning in Life Evaluation (SMiLE): Validation of a New Instrument for Meaning-in-Life Research. *Journal of Pain and Symptom Management*, Vol. 35 No. 4, 356-364.
- Fegg, M. J; Kramer, M; Bausewein, C. & Borasio, G. D. (2007). Meaning in life in the Federal Republic of Germany: results of a representative survey with the Schedule for Meaning in Life Evaluation (SMiLE). *Health and quality of life outcomes*, 5(59), 1-8.
- Fitzgerald, B. (2005). An existential view of adolescent development. *Adolescence*, 40 (160), 793-799.

- Frankl, V. (1984). *Man's search for meaning (Revised and Updated)*. New York: Washington Square Press.
- Haghdoust, A; Abazari, F; Abbaszadeh, A. & Dortaj, E. (2014). Family and the Riski behaviours of High School Students. *Iranian Red Crescent Medical Journal*, 16 (10), 1-7.
- Harlow, L. L. & Newcomb, M. D. (1990). Towards a general hierarchical model of meaning and satisfaction in life. *Multivariate Behavioral Research*, 25(3), 387-405.
- Heine, S. J; Proulx, T. & Vohs, K. D. (2006). The meaning maintenance model: On the coherence of social motivations. *Personality and Social Psychology Review*, 10(2), 88-110.
- Helwig, C. C. & Turiel, E. (2002). Civil liberties, autonomy, and democracy: Children's perspectives. *International journal of law and psychiatry*, 25(3), 253-270.
- Howell, A. J; Passmore, H. A. & Buro, K. (2013). Meaning in nature: meaning in life as a mediator of the relationship between nature connectedness and well-being. *Journal of Happiness Studies*, 14(6), 1681-1696.
- Internet World Stats. (2014). Internet Users in Asia. Retrieved from: <http://www.internetworldstats.com/stats3.htm>
- Iovu, M. B. (2014). Adolescents' Positive Expectations and Future Worries on their Transition to Adulthood. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 149, 433-437.
- Johnston, G. D. (2012). *The effect of meaning and purpose in life on wellness and life satisfaction* (Doctoral dissertation, Texas Tech University).
- Kaufman, S. R. (1987). *The ageless self: sources of meaning in late life*. Madison: University of Wisconsin Press.
- Kudla, D; Kujur, J; Tigga, S; Tirkey, P; Rai, P. & Fegg, M. J. (2015). Meaning in Life Experience at the End of Life: Validation of the Hindi Version of the Schedule for Meaning in Life Evaluation and a Cross-Cultural Comparison between Indian and German Palliative Care Patients. *Journal of pain and symptom management*, 49(1), 79-88.
- Lin, A. (2001). *Exploring sources of life meaning among Chinese* (Doctoral dissertation, Trinity Western University).
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of personality and social psychology*, 3(5), 551.
- Marcia, J. E. (1980). Identity in adolescence. *Handbook of adolescent psychology*, 9, 159-187.
- McDade, T. W; Chyu, L; Duncan, G. J; Hoyt, L. T; Doane, L. D. & Adam, E. K. (2011). Adolescents' expectations for the future predict health behaviors in early adulthood. *Social Science & Medicine*, 73(3), 391-398.
- Michel, G; Bisegger, C; Fuhr, D. C. & Abel, T. (2009). Age and gender differences in health-related quality of life of children and adolescents in Europe: a multilevel analysis. *Quality of life research*, 18(9), 1147-1157.
- Negru, O; Subțirică, A; Opre, A. (2011). The dynamics of aspirations in emerging adulthood. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 12, 205-210.

- Nolen-Hoeksema, S. (2005). Gender differences in depression. In Gotlib, I. H. hammen, C. L. (eds.). *Handbook of depression*. New York: Guilford press.
- O'Connor, K. & Chamberlain, K. (1996). Dimensions of life meaning: A qualitative investigation at mid-life. *British Journal of Psychology*, 87(3), 461-477.
- Orbach, I; Iluz, A. & Rosenheim, E. (1987). Value systems and commitment to goals as a function of age, integration of personality, and fear of death. *International Journal of Behavioral Development*, 10(2), 225-239.
- Park, N. Park, M. & Peterson, C. (2010). When is the search for meaning related to life satisfaction? *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 2(1), 1-13.
- Prager, E. (1997). Sources of personal meaning in life for a sample of younger and older urban Australian women. *Journal of Women & Aging*, 9(3), 47-65.
- Redekopp, D. E. (1990). *A critical analysis of issues in the study of meaning in life* (Doctoral dissertation, University of Alberta, Canada).
- Reker, G. T. & Woo, L. C. (2011). Personal meaning orientations and psychosocial adaptation in older adults. *Sage open*.
- Reker, G. T. (1994). Logotherapy and logotherapy: Challenges, opportunities, and some empirical findings. In *International Forum for Logotherapy*. Viktor Frankl Inst of Logotherapy.
- Schaefer, K. L; Klingman, B; & Lucas, M. (2003). Sources of Meaning in Life in College Students. [www.counseling.umd.edu/Infodata/scmeaninginlife.pdf](http://www.counseling.umd.edu/Infodata/scmeaninginlife.pdf).
- Schnell, T. (2009). The Sources of Meaning and Meaning in Life Questionnaire (SoMe): Relations to demographics and well-being. *The Journal of Positive Psychology*, 4(6), 483-499.
- Shen, C. X; Liu, R. D. & Wang, D. (2013). Why are children attracted to the Internet? The role of need satisfaction perceived online and perceived in daily real life. *Computers in Human Behavior*, 29(1), 185-192.
- Steger, M. F. (2012). Making meaning in life. *Psychological inquiry*, 23(4), 381-385.
- Steger, M. F; Frazier, P. & Zacchanini, J. L. (2008). Terrorism in two cultures: Traumatization and existential protective factors following the September 11th attacks and the Madrid train bombings. *Journal of Trauma and Loss*, 13(6), 511-527.
- Steger, M. F; Frazier, P; Oishi, S. & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of counseling psychology*, 53(1), 80.
- Steger, M. F; Kawabata, Y. Shimai, S. & Otake, K. (2008). The meaningful life in Japan and the United States: Levels and correlates of meaning in life. *Journal of Research in Personality*, 42(3), 660-678.
- Steger, M. F; Oishi, S. & Kashdan, T. B. (2009). Meaning in life across the life span: Levels and correlates of meaning in life from emerging adulthood to older adulthood. *The Journal of Positive Psychology*, 4(1), 43-52.

- Steger, M. F; Oishi, S. & Kesebir, S. (2011). Is a life without meaning satisfying? The moderating role of the search for meaning in satisfaction with life judgments. *The Journal of Positive Psychology*, 6(3), 173-180.
- Steger, M. F; Pickering, N; Adams, E; Burnett, J; Shin, J. Y; Dik, B. J. & Stauner, N. (2010). The quest for meaning: Religious affiliation differences in the correlates of religious quest and search for meaning in life. *Psychology of Religion and Spirituality*, 2, 206-226.
- Taylor, S. J. & Ebersole, P. (1993). Young children's meaning in life. *Psychological reports*, 73(3f), 1099-1104.
- Tomás-Sábado, J; Villavicencio-Chávez, C; Monforte-Royo, C; Torrelles, M. G; Fegg, M. J. & Balaguer, A. (2015). What Gives Meaning in Life to Patients with Advanced Cancer? A Comparison Between Spanish, German and Swiss Patients. *Journal of pain and symptom management*, 50(6). 861-866.
- Wang, WL. & Miao, DM. (2007). Reaserch review of college student's psychological quality. *US-China Education Review*, 4(3): 54-60.
- Watkins, D; Mortazavi, S. & Trofimova, I. (2000). Independent and interdependent conceptions of self: An investigation of age, gender, and culture differences in importance and satisfaction ratings. *Cross-Cultural Research*, 34(2), 113-134.